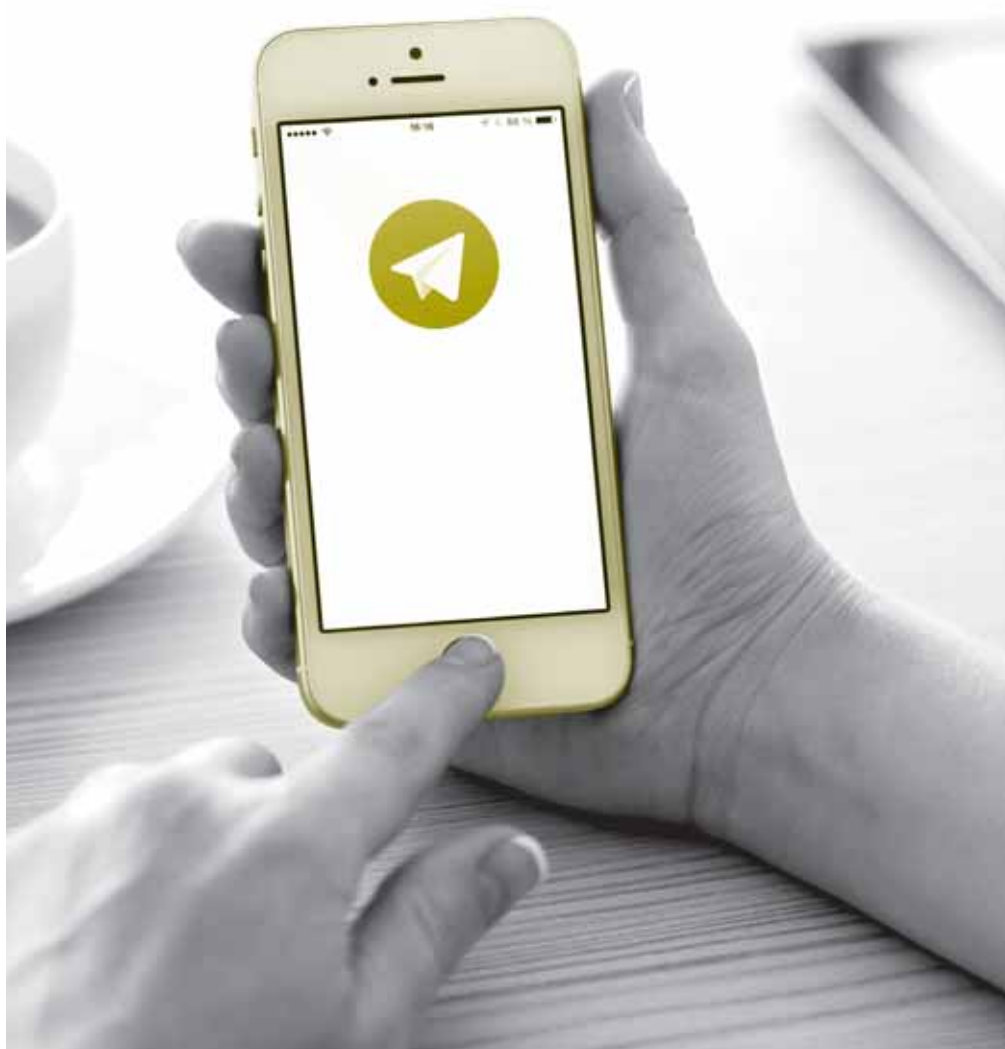


دنیای مجازی و رسالت دبیران تاریخ



سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، پیوسته عمیق‌تر و گسترده‌تر می‌شود؛ پدیده‌ای که نشریات و حتی گاه رسانه‌هایی همچون رادیو و تلویزیون را به حاشیه رانده و دنباله‌رو خود گردانیده است!

واقعیت این است که تلگرام «دهکده جهانی» را معنا بخشیده و محقق نموده است. در این دهکده بی‌شمار گروه‌های تلگرامی شکل گرفته‌اند؛ گروه دوستان، همکاران، خویشاوندان،

چند سال پیش از تلگرام، ابتدا وایبر و سپس واتس‌آپ در زندگی اجتماعی ما وارد شدند؛ دو پدیده‌ای که شور و شوقی پدید آوردند و ما را سرگرم کردند و ارتباطات اجتماعی را گسترش دادند. آن دو اما، با آمدن تلگرام، تقریباً به فراموشی سپرده شدند!

تلگرام پدیده‌ای است شگرف که در برقراری ارتباط میان آحاد بشری فصلی نو در تاریخ گشوده و پیامدهای آن در ابعاد



نظر می‌رسد در درجه اول با دریافت چنین مطالبی اندیشه کنیم که: آیا فلان سخن با فلان ادبیات، تا چه حد واقعاً می‌تواند، مثلاً از کوروش باشد؟ اصولاً آیا به جز لوح معروف کوروش و پاره‌ای مطالب دست دوم درباره او، همچون روایات گزنفون و مورخان اعصار بعد، چیزی از کوروش باقی مانده است؟ همچنین آیا نصایح و توصیه‌هایی که رنگ و بوی امروزی دارد و سنخیتی حتی با متون دو سه دهه پیش ندارد، می‌تواند از داریوش باشد؟

مکرر رخ داده که دوستی مطلبی را مثلاً از هرودوت برایم فرستاده است. وقتی از او پرسیده که: آیا این مطلب را خودت در جایی خوانده‌ای؟ پاسخ شنیده‌ام که: «نه، از دیگران دریافت کرده و فرستاده‌ام»!

حقیقت این که، از شأن ما اهل تاریخ به دور است که همچون عوام یا افراد غیرمتخصص، چنان ترهاتی را رواج دهیم، به حرف اینکه به ظاهر علمی می‌نماید، یا جمله‌ای زیباست، یا با حس شوونیستی و باستان‌گرایی ما سازگار است و...

ما اهالی تاریخ رسالتی سنگین داریم و می‌توانیم نقشی سازنده و هدایتگرانه داشته باشیم. با دیدن هر مطلبی در تلگرام بلافاصله آن را برای دیگران نفرستیم. در آن تأمل کنیم؛ اگر می‌توانیم از فرستنده آن توضیح بخواهیم؛ اگر از غلط بودن آن اطمینان داریم به او تذکر و برایش توضیح دهیم. بر ما فرض است که با جهالت‌های تاریخی و افراط و تفریطها و افسانه‌پردازی‌ها برخورد کنیم. اگر از صحت یا عدم صحت هر مطلبی در تردید هستیم، توقف کنیم و مطالب ناموثق را رواج ندهیم.

فارغ‌التحصیلان، دبیران، دانشجویان، استادان و... که هویت‌های جمعی تازه‌ای را شکل داده‌اند. نیز بی‌شمار کانال‌های تلگرامی شکل گرفته که هر یک می‌تواند به‌طور یک‌طرفه مخاطبان کم یا زیادی را به خود جلب کند.

شما خود می‌دانید که در این گروه‌ها و کانال‌ها تا چه حد انواع مطلب ارائه و دست به دست می‌شود؛ از سرفه کردن بازیگران و فوتبالیست‌ها تا محافل سیاسی، از اخبار اقتصادی تا مطالب تاریخی و...

اما مطالب تاریخی!

امان از مطالب تاریخی که از این طریق دست به دست می‌گردد و شایع می‌شود و کم و بیش در ذهن پیر و جوان، جا خوش می‌کند. بر بینش آن‌ها تأثیر می‌گذارد و دانش تاریخی ناقص و تصویری معوج از واقعیت‌های تاریخی به آن‌ها می‌دهد: وصیت داریوش، کلمات قصار کوروش، جملاتی از شریعتی، نیچه، هرودوت، و بسیاری مشاهیر دیگر که اغلب مبنا و صحت ندارد و ساخته و پرداخته دروغ‌گویی است که معلوم نیست پشت کدام پرده پنهانند و چرا چنین می‌کنند.

بدین ترتیب است که با رواج و گسترش انبوهی از مطالب غلط، تحریف شده و غیرمستند، اندک واقعیاتی که به مدد زحمات زیاد و صرف وقت بسیار پژوهشگران عرضه شده است، رنگ می‌بازد و ملغمه‌ای از افسانه و فریب و در نتیجه بی‌اعتمادی به تاریخ و اهل تاریخ در جامعه گسترش می‌یابد و کم‌کم تشخیص راست و دروغ بیش از پیش مشکل می‌گردد. حال باید دید در این میان رسالت ما اهل تاریخ چیست؟ به